

## تحلیل محتوای کیفی الگوی نظام سیاسی در کتاب ولایت فقیه امام خمینی (علیه السلام)

میثم قهرمان\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۲۰

هادی کشاورز\*\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۰۱

### چکیده

در تحلیل سیر اندیشه امام خمینی (علیه السلام) کتاب ولایت فقیه از جایگاه منحصر به فردی برخوردار است. تحلیل و فهم کتاب ولایت فقیه به دلیل محتوای خاصش که در آن مؤلفه‌ها و مقولات متعددی در حال گفتگو و ارتباط می‌باشند، نیازمند به‌کارگیری روش‌شناسی‌های مناسب می‌باشد. در این نوشتار، بر اساس روش تحلیل محتوای کیفی در پی فهم کتاب ولایت فقیه می‌باشیم. روش تحلیل محتوای کیفی علاوه بر اینکه می‌تواند تفسیری خاص را از این کتاب ارائه دهد، از آن جهت که روشی پایه‌ای است، نتایج آن می‌تواند راهگشای محققین برای تحلیل گفتمان و دیگر روش‌های کیفی جهت تحلیل کتاب ولایت فقیه باشد. تحلیل محتوای کیفی را با مشخص نمودن وجوه معنایی متن و سپس برجسب زدن به آن‌ها در قالب کدها آغاز می‌نمائیم و در ادامه با مقوله‌بندی کدها و قرار دادن مقولات در ذیل تم‌های مناسب، ارتباطات و پیوندهای بین مقوله‌ها را کشف می‌کنیم تا از این طریق بتوانیم تفسیری خاص از الگوی نظام سیاسی در کتاب ولایت فقیه را ارائه نمائیم. نهایتاً، نتیجه به‌دست آمده از تحلیل محتوای کیفی و روح حاکم بر کتاب ولایت فقیه از یک‌سو وجود مبانی «حکومت مطلوب در اسلام» و از سوی دیگر، «لزوم انقلاب» را تشکیل می‌دهد.

### واژگان کلیدی

تحلیل محتوای کیفی، الگوی نظام سیاسی، کتاب ولایت فقیه، امام خمینی، حکومت اسلامی.

\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) meisam.ghahreman@gmail.com

\*\* کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران keshavarz.hadi@yahoo.com

کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران

## مقدمه

از زمانی که «برنارد برلسون<sup>۱</sup>» روش تحلیل محتوا را به عنوان روشی مستقل نام گذاری و تعریف کرد، بیش از نیم قرن می گذرد. در این مدت، این روش کاربردهای بسیاری هم در تجزیه و تحلیل وسایل ارتباط جمعی و هم در سایر زمینه های علوم اجتماعی داشته است. برنارد برلسون در یک تقسیم بندی مشخص در سال ۱۹۵۲، پنج هدف عمده را برای تحلیل محتوا مشخص کرد که عبارتند از: ۱. توصیف ویژگی های اصلی محتوای پیام، ۲. توصیف ویژگی های شکلی محتوای پیام، ۳. استنباط مفاهیم مورد نظر تهیه کنندگان محتوا، ۴. استنباط برداشت مخاطبان پیام از محتوای آن و ۵. پیش بینی اثرات محتوا بر مخاطبان. این دسته بندی که در اولین اثر مکتوب درباره روش تحلیل محتوا ارائه شد، نشان می دهد که از همان ابتدا هدف از تحلیل محتوا تنها توصیف صرف ویژگی های متن نبوده بلکه مهم تر از آن، نتیجه گیری و استنباط از محتوا نیز مورد نظر اندیشمندان بوده است. کما اینکه از پنج هدف فوق، سه هدف استنباطی است (محمدی مهر، ۱۳۸۷: ۲۶). بنابراین، در این روش توصیف و استنباط متن که در ارتباط منطقی با هم می باشند، قابلیت ها و توانایی های زیادی برای تحلیل متون فراهم می آورند. به عبارت دیگر، در هر تحلیل محتوا کار محقق استنباط از روی داده ها درباره جنبه های خاصی از متن آن ها و توجیه استنباط ها برحسب شناخت عوامل پایدار در نظام مورد نظر است (کرپندورف، ۱۳۷۸: ۳۳).

در این نوشتار بر اساس روش تحلیل محتوای کیفی به سراغ کتاب ولایت فقیه امام خمینی (علیه السلام) می رویم تا از قابلیت های این روش جهت توصیف و استنباط کتاب ولایت فقیه بهره گیری نمائیم. علاوه بر فهم و ارائه تفسیری خاص از این کتاب، روش تحلیل محتوای کیفی از این جهت که پایه و اساس روش تحلیل گفتمان و دیگر روش های کیفی می باشد، روش منبع و کارآمدی است که می تواند به تحقیقات بعدی یاری رساند. برای مثال، دکتر فیرحی در مقاله «مشکلات روش شناختی ورود به اندیشه سیاسی امام خمینی (علیه السلام)» بیان می دارند که برای ورود به اندیشه های امام خمینی (علیه السلام)، به دلیل ماهیت خاص آن ها باید از روش شناسی ویژه ای استفاده کرد. ایشان استدلال می نمایند که امام خمینی (علیه السلام)، اندیشه های خود را در یک فضای دوگانه ارائه داده اند، فضای سنتی پیش از

جمهوری اسلامی و فضای موجود در آستانه انقلاب و پس از تأسیس یک دولت مذهبی نوین، در آثار ایشان این دوگانگی مشهود است. امام خمینی (عج)، همچون پلی، ارتباط دهنده بین گذشته و حال، یا حتی گذشته و آینده محسوب می‌شوند. به همین دلیل نمی‌توان امام و آثار او را به شیوه‌های سنتی تحلیل کرد (فیرحی، ۱۳۷۸ا: ۱۴۷).

دکتر فیرحی معتقدند، شاید بتوان با تکیه بر تحلیل گفتمانی تمایزات اساسی آن را با ارکان تفکر قدیم اسلامی برجسته نموده و مقدمات نظری برای تحلیل فهم جدید امام (عج) از نصوص دینی فراهم نمود (فیرحی، ۱۳۷۸ب: ۳). بنابراین، جهت تحلیل گفتمانی آثار امام خمینی (عج) که دکتر فیرحی توصیه نموده‌اند، بهره‌گیری از نتایج تحلیل محتوای کیفی این آثار، می‌تواند راهگشا و یاری‌رسان باشد.

برای تحلیل محتوای کیفی کتاب ولایت فقیه، در ابتدا وجوه معنایی (واحد معنا) متن را مشخص می‌نماییم. به دلیل اینکه واحد تحلیل ما کتاب می‌باشد و آوردن کامل وجوه معنایی حجم زیادی از کار تحقیقی را اشغال می‌نماید، از واحدهای معنایی فشرده شده استفاده خواهیم نمود. پس از مشخص نمودن واحدهای معنایی فشرده شده، به هر یک از این واحدها، برچسب و کدی اختصاص می‌دهیم تا ضمن آنکه دسترسی و استفاده از آن‌ها آسان‌تر شود، بر قدرت تحلیل نیز اضافه گردد. سپس کدهای به دست آمده را بر اساس معنای مشترکی که در میان آن‌ها وجود دارد در ذیل مقولات مختلف قرار می‌دهیم. با این کار می‌توان به قدرت تحلیل بیشتری دست پیدا نمود. به بیان دیگر متن به واسطه این مقولات تفسیر و سنجیده می‌شود (یوسفی ارجمند، ۱۳۸۵: ۶۵). پس از مقوله‌بندی کتاب ولایت فقیه، مقولات را در ذیل تم و یا تم‌های مشترک تحلیل می‌نمائیم. بدین ترتیب، در هر مرحله و با هر طبقه‌بندی به قدرت تحلیل تحلیل‌گر افزوده می‌شود. در نهایت، تلاش نموده الگوی نظام سیاسی در کتاب ولایت فقیه را بر اساس این طبقه‌بندی‌ها و تحلیل‌ها، توصیف و تفسیر نمائیم. بنابراین تلاش این پژوهش پاسخ به این سؤال است که، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی کتاب ولایت فقیه امام خمینی (عج) روح حاکم بر کتاب و اندیشه امام خمینی (عج) چه می‌باشد؟

## تحلیل محتوای کیفی

تحلیل محتوا به منزله تکنیکی علمی عمدتاً در قرن بیستم رایج شد. شاخص‌های گوناگون علوم اجتماعی همچون ارتباطات، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و روان‌شناسی آن را در پژوهش‌های خود به کار گرفته‌اند. پس از جنگ جهانی دوم هارولد لاسول و همکارانش با انتشار کتاب «زبان سیاست»، دیدگاه‌ها و جهت‌های نوینی را برای به‌کارگیری این تکنیک فراهم آوردند. در دهه ۱۹۵۰، برلسون کتاب خود را با عنوان «تحلیل محتوا در تحقیقات مربوط به ارتباطات» منتشر کرد. در دهه ۱۹۶۰ استفاده از کامپیوتر در به‌کارگیری این روش موجب رشدی فزاینده در بهره‌برداری از آن شد. اواسط قرن بیستم ایراداتی به تحلیل‌های سطحی بدون در نظر گرفتن محتوای پنهان تحلیل وارد شد. از این زمان بود که رویکردهای کیفی در تحلیل محتوا گسترش یافتند (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۷).

بنابراین، می‌توان دو رویکرد کمی و کیفی را در تحلیل محتوا از یکدیگر متمایز نمود. برلسون در تعریفی کمی از تحلیل محتوا آن را تکنیکی پژوهشی برای توصیف عینی منظم و کمی محتوای آشکار پیام می‌داند. شرط «عینی ۲» و «منظم ۳» بودن تکنیک مشمول شرط تکرارپذیری است. تکرارپذیری یک فرآیند<sup>۴</sup> مستلزم آن است که قواعد<sup>۵</sup> حاکم بر آن صریح و روشن بوده، برای همه واحدهای تحلیل به‌طور یکسان قابل اعمال باشد (کرپندورف، ۱۳۷۸: ۲۶).

از نظر گروهی از محققان، صرف محتوای ظاهری پیام چندان ارزشمند نیست و یک پژوهشگر باید استنباط و قضاوت خود را نیز به کار برد و محتوای پنهان یک پیام ارتباطی را توصیف و تفسیر کند. بدین ترتیب، ما درون هر متنی با دو سطح آشکار و پنهان مواجه‌ایم که به عقیده این محققان تحقیقات کمی نمی‌توانند تفسیری از محتوای پنهان متن ارائه دهند. به عبارت دیگر، تفسیرگرایی، به‌عنوان منبع هستی‌شناسی پژوهش کیفی به پژوهش‌گر می‌گوید که چگونه دانش معینی را تولید کند یا از چه روشی بهره جوید (صادقی‌فسائی و ناصری‌راد، ۱۳۹۰: ۹۵). بنابراین، تحلیل محتوای کیفی یکی از روش‌هایی است که این امکان را فراهم می‌آورد تا از طریق تفسیر به محتوای پنهان متن که سطح ساختار عمیق معانی است، دسترسی پیدا نمود. به بیان دیگر، در تحلیل

محتوای متن به صورت کیفی ریشه‌ها تحلیل می‌شوند. تحلیل ریشه‌ها ماهیت ساختاری و استدلالی دارد و در بطن معانی که متن تولید می‌کند، نهفته است (ابوالمعالی الحسینی، ۱۳۹۲: ۸۷). از سوی دیگر تحلیل محتوای کیفی به‌عنوان بخشی از پژوهش‌های کیفی، رویکرد کلی و جامعی نسبت به تحلیل داده‌های مورد بررسی دارد و به همین دلیل می‌کوشد تا به‌طور کامل بر پیچیدگی‌های مسایل اجتماعی تحت بررسی فائق آید (شریعتی فیض‌آبادی و گودرزی، ۱۳۹۴: ۱۰۱).

در این راستا، «هولستی<sup>۶</sup>» و «فیلیپ استون<sup>۷</sup>» در تعاریفی مشابه از استنباط‌سازی و کشف مشخصات ویژه یک پیام در تحلیل‌های کیفی سخن می‌گویند. هولستی، تحلیل محتوا را هرگونه تکنیکی برای ساختن استنباط‌هایی می‌داند که به واسطه شناخت نظام‌مند و عینی از مشخصات ویژه متن صورت می‌گیرد (Holsti, 1968: 608). استون، نیز تحلیل محتوا را روشی می‌داند که به صورت عینی و بر پایه قواعد معینی، مشخصات ویژه از یک پیام را کشف می‌کند (Stone, 1966: 5). همان‌گونه که ملاحظه می‌نمائیم در تعاریف کیفی‌تر از تحلیل محتوا، بر کشف معانی، استنباط‌سازی و تفسیر متن تأکید بیشتری می‌شود. با این وجود، هولستی و استون در روش تحلیل محتوا به عینیت و نظام‌مندی تحلیل معتقد می‌باشند. در نگاه «پاتون<sup>۸</sup>» تحلیل محتوای کیفی، اصولاً تحلیل محتوایی استنباطی است (Neuendorf, 2002: 54).

در تعریفی جامع‌تر که «شی‌یه» و «شانون<sup>۹</sup>» از تحلیل محتوای کیفی ارائه می‌دهند نیز بر نقش تفسیر ذهنی تحلیل‌گر تأکید می‌گردد. آن‌ها تحلیل محتوای کیفی را روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی از طریق فرآیندهای طبقه‌بندی نظام‌مند از کدبندی و شناسایی زمینه‌ها و یا الگوها می‌دانند (Hsieh & Shannon, 2005: 1278). «ژانگ» و «ویلدموث<sup>۱۰</sup>» در تعریف تحلیل محتوای کیفی بر فرآیند متراکم‌سازی‌ای تأکید می‌کنند که سراسر استنباطی و تفسیری است. به بیان آن‌ها تحلیل محتوای کیفی شامل یک فرآیند طراحی شده جهت متراکم کردن داده‌های خام درون مقولات یا زمینه‌ها بر اساس تفسیر و استنباطی معتبر می‌باشد (Zhang & Wildemuth, 2009: 309). این تعریف، نشان می‌دهد که تفسیر و استنباط در تحلیل محتوای کیفی می‌تواند حجم انبوهی از متون را به بهینه‌ترین شکل ممکن، تقلیل دهد. این امر مزیتی برای روش‌های تحلیل

استقرایی و یا مورد محور<sup>۱۱</sup> به شمار می‌آید (فلیک، ۱۳۸۸: ۳۵۰).  
به طور کلی می‌توان سه تفاوت اساسی میان تحلیل محتوای کیفی و کمی را این گونه بیان نمود: ۱. کلمات در مقابل اعداد<sup>۱۲</sup>، ۲. دیدگاه عینیت‌محور در مقابل دیدگاه منظر محور<sup>۱۳</sup>، و ۳. کشف در مقابل اثبات<sup>۱۴</sup> (Maykut & Morehouse, 1994: 16-20).

### رویکردهای تحلیل محتوای کیفی

بر اساس نظریه‌شنی‌یه و شانون می‌توان رهیافت‌های موجود در زمینه تحلیل محتوا را به سه دسته تقسیم کرد که عبارت‌اند از: ۱. تحلیل محتوای عرفی و قراردادی<sup>۱۵</sup>، ۲. تحلیل محتوای جهت‌دار<sup>۱۶</sup>، ۳. تحلیل محتوای تلخیصی یا تجمعی<sup>۱۷</sup> (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۲).

اولین رویکرد «تحلیل محتوای کیفی متعارف» است که در آن مقولات کدگذاری شده به طور مستقیم و استقرایی از داده‌های خام مشتق می‌شوند (ابوالمعالی الحسینی، ۱۳۹۲: ۸۹). بنابراین، این نظریه قابل لمس نیست و شکلی انتزاعی دارد و در مشاهدات منظم ریشه دارد و یا زمینه‌ای شده است. به دلیل اینکه در تحلیل محتوای کتاب ولایت فقیه از این روش بهره برده‌ایم، پس از تشریح اجمالی دو رویکرد بعدی، مراحل انجام تحلیل محتوای کیفی متعارف را تشریح خواهیم نمود.

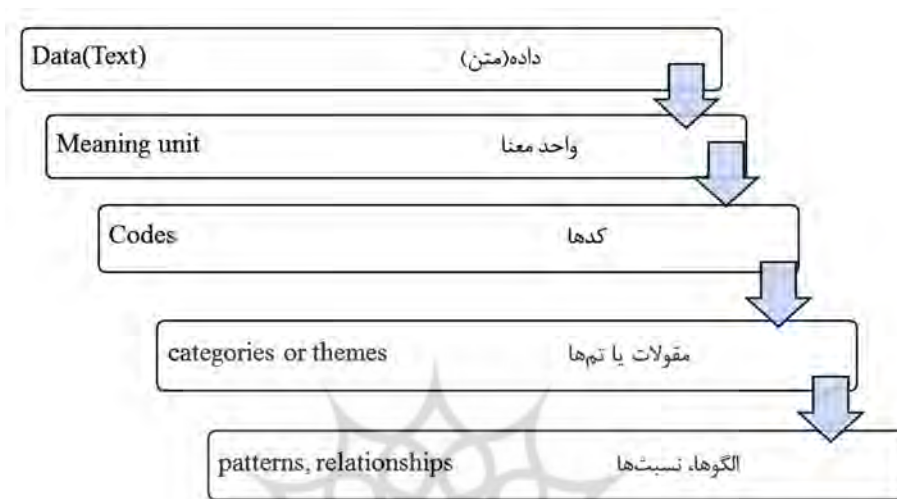
گاه نظریه یا تحقیقات پیشین درباره یک پدیده مطرح است که یا کامل نیستند یا به توصیف‌های بیشتری نیازمندند. در این حالت محقق کیفی، روش تحلیل محتوا با رویکرد جهت‌دار را برمی‌گزیند. این روش را معمولاً براساس روش قیاسی متکی بر نظریه طبقه‌بندی می‌کنند که تمایزات آن با دیگر روش‌ها براساس نقش نظریه در آن‌هاست. هدف تحلیل محتوای جهت‌دار معتبر ساختن و گسترش دادن مفهومی چارچوب نظریه و یا خود نظریه است. بدین ترتیب، تحلیل محتوا با رویکرد جهت‌دار نسبت به دیگر روش‌های تحلیل محتوا از فرآیند ساختارمندتری برخوردار است (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۴). بنابراین، در این رویکرد، نخست کدگذاری و مقوله‌بندی متن با یک نظریه، یا یافته‌های پژوهشی آغاز می‌شود و سپس در طی تحلیل داده‌ها پژوهشگر خود را در داده‌ها غرق می‌کند و اجازه می‌دهد که تم‌های جدید از داده‌ها تکوین یابند.

هدف از این رویکرد معمولاً اعتباریابی<sup>۱۸</sup> و یا گسترش یک چارچوب مفهومی یا یک نظریه است. این رویکرد قیاسی - استقرایی است.

رویکرد سوم «تحلیل محتوای تلخیصی» است که با شمارش لغات یا محتوای آشکار آغاز می‌شود. سپس تحلیل به مفاهیم و مضامین پنهان گسترش می‌یابد. این رویکرد در مراحل اولیه کمی به نظر می‌رسد، اما هدفش جستجوی کاربرد لغات و شاخص‌ها در یک روش استقرایی است (ابوالمعالی الحسینی، ۱۳۹۲: ۹۰). به عبارت دیگر، مطالعه‌ای که از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تلخیصی استفاده می‌کند با شناسایی و کمی کردن کلمات یا مضامین ویژه موجود در متن، با هدف فهم چگونگی کاربرد این کلمات یا محتوای آن‌ها در متن آغاز می‌شود. بنابراین، تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تلخیصی می‌تواند به آن سوی شمارش که همان تحلیل محتوای پنهان و نهفته موجود در کلمات است، نیز برود. تحلیل محتوای پنهان به فرآیند تفسیر محتوا مربوط می‌شود. در این نوع تحلیل، تمرکز روی کشف معانی اصولی واژه یا مضامین آن است.

حال به رویکرد تحلیل محتوای کیفی متعارف باز می‌گردیم تا مراحل انجام آن را تشریح نماییم. همان‌گونه که اشاره شد، در این رویکرد نظریه‌های از پیش موجود جایگاهی ندارند و اطلاعات جمع‌آوری شده (چه متن کتاب و چه از طریق مصاحبه و...) از طریق تداعی معنا تحلیل می‌شوند. در این حالت، تحلیل داده‌ها با خواندن آن‌ها به صورت مکرر آغاز می‌شود تا درکی کامل درباره آن‌ها به دست آید. به بیان دیگر، محقق بر اساس ادراک و فهم خود از متن مورد مطالعه، نوشتن تحلیل اولیه را آغاز می‌نماید و با خواندن مکرر آن تحلیل خود را تکمیل می‌نماید. پیش از تشریح مراحل تحلیل محتوای کیفی متعارف، می‌توان آن را در نمودار زیر به‌طور خلاصه نشان داد:

### مراحل تحلیل محتوای کیفی متعارف



همان‌گونه که در نمودار مشخص است، در مرحله نخست، تحلیل‌گر بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده و یا متنی که پیش روی اوست (در این کار تحقیقی، کتاب ولایت فقیه)، تحلیل خود را با بیرون کشیدن واحدهای معنا از متن شروع می‌نماید. گرانهم و لاندمن<sup>۱۹</sup> پس از ارائه تعاریف واحد معنا نزد باکستر<sup>۲۰</sup> (مجموعه کلمات یا جملاتی که به یک معنای مرکزی مربوط می‌باشند)، کوواچ<sup>۲۱</sup> (یک واحد ایده)، کریپندورف<sup>۲۲</sup> (یک واحد متنی)، لیچستین و یانگ<sup>۲۳</sup> (یک کلمه کلیدی و یک عبارت)، ومبلیت<sup>۲۴</sup> (یک واحد تجزیه و تحلیل) و... به تعریف خود از واحد معنا می‌پردازند؛ از نظر آن‌ها، واحد معنا، کلمات، جملات و یا پاراگراف‌هایی هستند که از رهگذر محتوا و زمینه‌یشان شامل جنبه‌های مرتبط با یکدیگر می‌باشند (Graneheim & Lundman, 2003: 106). بنابراین، واحد معنا، بخشی از متن و یا داده‌های جمع‌آوری شده است که حامل معنایی است و تحلیل‌گر با مشخص نمودن آن‌ها، تحلیل محتوا را آغاز می‌نماید.

در مرحله بعد، واحدهای معنا توسط برچسب‌ها و کدهایی از یکدیگر متمایز می‌شوند. با کدبندی هم دسترسی به واحدهای معنا آسان می‌شود و هم به دلیل اینکه تحلیل‌گر می‌تواند به واسطه این کدها، واحدهای معنا را در ارتباط منطقی با یکدیگر



تحلیل و دسته‌بندی نماید، بر قدرت تحلیل تحلیل‌گر نیز اضافه می‌گردد و پژوهشگر می‌تواند تفسیر عمیق‌تری از متن به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی به‌دست آورد و به واسطه این انتزاع و تفسیر است که می‌تواند به تعیین مقولات مناسب بپردازد.

پس از مرحله کدگذاری نوبت به تعیین مقولات می‌باشد. ایجاد مقوله، ویژگی اصلی تحلیل محتوای کیفی است. مقوله‌بندی عبارت است از عمل طبقه‌بندی عناصر سازنده یک مجموعه از طریق تشخیص تفاوت‌های آن‌ها و سپس گروه‌بندی مجددشان بر اساس شباهت عناصر. مقولات موضوع‌ها یا طبقاتی هستند که گروهی از عناصر را زیر یک عنوان نوعی جمع می‌کنند و علت این گردآوری، خصوصیات مشترک این عناصر است (باردن، ۱۳۷۴: ۱۳۵). علاوه بر خصوصیات مشترک عناصر، مقولات باید دارای ویژگی‌های ۱. فراگیری، ۲. طرد متقابل، و ۳. استقلال باشند. فراگیری تضمین می‌کند که هر واحدی که در متن بوده و باید مورد تحلیل قرار می‌گرفته، ثبت شده و در یکی از مقوله‌ها قرار گرفته است. بدین ترتیب، همیشه باید تعداد کافی از مقوله‌ها وجود داشته باشد تا همه واحدها را پوشش دهد. طرد متقابل نیز تضمین می‌کند که هیچ‌یک از واحدهای مورد تحلیل در بیش از یک مقوله گنجانیده نشده است. استقلال هم به معنای آن است که هر مقوله‌ای هویت مشخص و جداگانه‌ای دارد و ارزش آن از ارزش دیگر مقوله‌ها جداست و به ارزش هیچ مقوله دیگری وابسته نیست. به بیان دیگر، انتخاب یک واحد به یک مقوله مستلزم انتساب سایر واحدها نیست (صدیق‌سروستانی، ۱۳۷۵: ۹۹). در این ارتباط، پاتن مقوله‌ها را بر اساس هماهنگی درونی و ناهماهنگی با بیرون (Patton, 2001: 465) تعریف می‌نماید.

در مرحله بعد لازم است محتوای مقولات توصیف شوند. در صورت نیاز می‌توان از شمارش و فراوانی مقولات و نیز از دیگر مطالعات کیفی استفاده کرد (پیربدایی، ۱۳۸۸: ۲۹). بنابراین، متن به محک این مقولات زده شده و بدین ترتیب، تحلیل و تفسیری که از متن می‌شود با مقوله‌ها سنجیده می‌شود. در واقع، در کار تحلیل لازم است ارتباطات و پیوندهای بین مقوله‌ها را کشف کنیم و پیوندهای حشو و زاید را حذف کرده، الگوهای ارتباطی منطقی بین مقوله‌ها برقرار سازیم (ابوالمعالی، ۱۳۹۱: ۴۰۹). حال می‌توان ارتباط میان داده‌های متنی، کد و مقولات را بهتر درک نمود. بدین معنا که کد،

پیوندی است که پژوهشگر میان داده‌ها و مقولات برقرار می‌کند (لیندلف و تیلور، ۱۳۸۸: ۲۷۴)، که بدون برقراری این پیوند، طبقه‌بندی و مقوله‌بندی متن و داده‌ها، و درنهایت، برقرار نمودن ارتباطات منطقی بین مقوله‌ها به سختی امکان‌پذیر می‌گردد. پس از برقرار نمودن ارتباطات منطقی بین مقوله‌ها، می‌توان مقولات را در قالب تم‌هایی طبقه‌بندی نمود. به عبارت دیگر، تم مفهوم کلی است که حاصل جمع‌بندی مقوله‌ها می‌باشد. تم محوری است که معانی اساسی و مشترک در بین چند مقوله را به هم پیوند می‌زند (Graneheim & Lundman, 2003: 107). پس تم را می‌توان رشته اصلی معنا در واحدهای معانی فشرده و متراکم، کدها یا مقولات در سطحی تفسیری در نظر گرفت. لازم به ذکر است که ما از مرحله نخست که مشخص نمودن واحدهای معنا می‌باشد، وارد سطح انتزاع<sup>۲۵</sup> و تفسیر شده‌ایم؛ اما مرحله به مرحله به سطح انتزاع و تفسیر تحلیل‌گر افزوده می‌شود، بنابراین، در تعیین تم‌ها، تحلیل‌گر از سطح تفسیری و انتزاعی بالایی بهره می‌برد. درنهایت، در الگوسازی، تحلیل‌گر در سطح بالایی از انتزاع و تفسیر، رابطه میان تم‌ها را می‌سنجد. هدف ارائه توصیفی غنی از یک واقعیت اجتماعی ایجاد شده توسط آن تم‌ها و مقولات می‌باشد. به بیان دیگر، نتیجه تحلیل محتوای کیفی می‌تواند به گسترش تئوری‌ها و مدل‌های جدید کمک کند (Zhang & Wildemuth, 2009: 318).

در این نوشتار، تفسیری از الگوی نظام سیاسی در کتاب ولایت فقیه امام خمینی (علیه السلام) ارائه می‌دهیم که بر اساس یافتن کدها، مقولات و تم‌های خاص این کار تحقیقی است؛ لذا الگوسازی در این کار تحقیقی به معنای ارائه تفسیری از الگوی نظام سیاسی در کتاب ولایت فقیه می‌باشد. به بیان دیگر، الگوی نظام سیاسی که امام خمینی (علیه السلام) در کتاب ولایت فقیه ارائه می‌دهند را بر اساس تحلیل محتوای کیفی و با ارائه کدها، مقولات و تم‌هایی تفسیر می‌نمائیم.

### کدها، مقولات و تم‌های الگوی نظام سیاسی در کتاب ولایت فقیه

همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، به دلیل اینکه واحد تحلیل ما کتاب می‌باشد و آوردن واحدهای معنا به صورت کامل با یکی از اهداف تحلیل محتوا که کوتاه کردن متن با

حفظ هسته مرکزی<sup>۲۶</sup> می‌باشد، سازگار نیست و حجم زیادی از کار تحقیقی را اشغال می‌نماید، بنابراین، پس از آوردن چند نمونه از واحدهای فشرده‌شده معنا و کدهای مناسب برای آن‌ها، فقط کدهای سایر واحدهای معنا آورده می‌شوند و از آوردن سایر واحدهای معنا خودداری می‌شود تا این کار تحقیقی حجمی مناسب برای مقاله را پیدا نماید. سپس، تمام مراحل تحلیل محتوای کیفی (مشخص نمودن کدها، مقولات و تم‌ها) انجام داده می‌شود تا بدین ترتیب بتوانیم تفسیری از الگوی نظام سیاسی در کتاب ولایت فقیه ارائه دهیم.

کد	واحد فشرده معنا
بدیهی بودن ولایت فقیه	بدیهی و ضروری بودن ولایت فقیه و عدم نیاز به برهان جهت اثبات آن
ریشه‌های تاریخی تصور نادرست از اسلام و عدم توجه به ولایت فقیه	اینکه امروز به ولایت فقیه توجهی نمی‌شود و احتیاج به استدلال پیدا کرده علتش اوضاع اجتماعی و تاریخی مسلمانان و شرایط حوزه‌های علمیه، عمال دانشگاهی و مستشرقین وابسته می‌باشد.
فرق میان اسلام با آنچه به‌عنوان اسلام عرضه می‌شود	اسلام دین حق، عدالت و آزادی است و برخلاف تصور رایج، اسلام دین جامعی با احکام و قوانینی در باب اداره جامعه می‌باشد. اسلام با آنچه به‌عنوان اسلام معرفی می‌شود از لحاظ جامعیت و اثری که در زندگانی اجتماعی می‌توانند داشته باشند به کلی تفاوت دارد.
وجود قوانین اجتماعی و حکومتی در اسلام	اسلام همان‌طور که برای وظایف عبادی قانون دارد برای امور اجتماعی و حکومتی قانون و راه و رسم دارد. هیچ موضوع حیاتی نیست که اسلام تکلیفی برای آن مقرر نداشته و حکمی درباره آن نداده باشد.
وضع موجود و عوامل داخلی (برخی از روحانیون) و خارجی آن	در به وجود آمدن وضعیت موجود تنها خارجی‌ها مقصر نیستند برخی از روحانیون نیز که اسلام را پاره‌ای از احکام حیض و نفوس می‌دانند کمک کرده‌اند تا وضع چنین شده است.
قانون اساسی ضد اسلامی مشروطه	قانون اساسی مشروطه، مجموعه حقوقی بلژیکی‌ها است که با مجموعه حقوقی فرانسه و انگلیس ترمیم شد و برای گول زدن ملت بعضی احکام اسلام را ضمیمه کردند.
ضد اسلامی بودن وضعیت موجود	اسلام مقرراتی برای سر و صورت دادن به کارهای ناروا (سلطنت، ولایتعهدی، بانکداری توأم با رباخواری، پیهاله‌فروشی و فحشا) ندارد. تحمیل قوانین بیگانه بر جامعه اسلامی ما منشأ گرفتاری‌ها و مشکلات بسیار شده است.
قانون شرط لازم اما نه کافی	کافی نبودن قانون برای اصلاح جامعه و نیاز به قوه مجریه برای اجرای قانون
پیامبر به‌عنوان مفسر، مبلغ و مجری دولت اسلامی	حضور پیامبر در رأس تشکیلات اجرایی و اداری جامعه مسلمانان که علاوه بر تبلیغ وحی و تفسیر عقاید اسلام به اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام همت گماشته تا دولت اسلام را به وجود آورد.

کد	واحد فشرده معنا
سعادت بشر مستلزم وجود قوه مجریه	قانون‌گذاری به تنهایی سعادت بشر را تأمین نمی‌کند. قوه مجریه است که قوانین و احکام دادگاهی را اجرا می‌کند.
سنت و رویه رسول اکرم در باب حکومت	پیامبر خود تشکیل حکومت داد و به اجرای قوانین و برقراری نظامات اسلام پرداخت و برای پس از خود به فرمان خدا تعیین حاکم کرده است.
ضرورت استمرار اجرای احکام اسلام	طبق آیه شریفه «یا ایهاالذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم...» احکام اسلام محدود به زمان و مکانی نیست و تا ابد باقی و لازم‌الاجرا است.
هرج و مرج و فساد بدون تشکیل حکومت	بدون تشکیل حکومت و بدون دستگاه اجرا و اداره که همه جریانات و فعالیت‌های افراد را از طریق اجرای احکام تحت نظام عادلانه درآورد، هرج و مرج به وجود می‌آید و فساد اجتماعی و اعتقادی پدید می‌آید.
نیاز به تشکیل حکومت در دوران غیبت	از غیبت صغری تاکنون که ممکن است صدهزار سال دیگر بگذرد، احکام اسلام باید زمین بماند؟ اعتقاد به چنین مطالبی یا اظهار آن‌ها بدتر از اعتقاد و اظهار منسوخ شدن اسلام است.
کیفیت جامع قوانین اسلام	ماهیت و کیفیت قوانین اسلام می‌رساند که برای تکوین یک دولت و برای اداره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه تشریح گشته است. قرآن مجید و سنت شامل همه دستورات و احکامی است که برای سعادت و کمال خود احتیاج دارد.
دستگاه اجرایی متناسب با احکام الهی	با دقت در ماهیت و کیفیت احکام شرع درمی‌یابیم که اجرای آن‌ها و عمل به آن‌ها مستلزم تأسیس یک دستگاه عظیم و پهناور اجرا و اداره می‌باشد.
ذکر برخی موارد جهت لزوم دستگاه اجرایی متناسب	احکامی مانند احکام مالی نظیر خمس، احکام دفاعی ملی که راجع به حفظ نظام اسلام است و احکام جزایی بدون برقراری دستگاه اجرایی متناسب تحقق نمی‌یابد.
مبارزه با نظام سیاسی ضد اسلامی موجود	برقراری نظام سیاسی غیر اسلامی به معنی بی‌اجرا ماندن نظام سیاسی اسلام است و هر نظام سیاسی غیر اسلامی، نظامی شرک‌آمیز است چون حاکمش طاغوت است و ما موظفیم آثار شرک را از جامعه مسلمانان دور کنیم.
دو راه انسان مؤمن و انتخاب راه دوم	در شرایط اجتماعی حاکمیت طاغوت، انسان مؤمن دو راه در برابر خود دارد: یا اجباراً اعمالی مرتکب شود که شرک‌آمیز و ناصالح است، یا اینکه با اوامر و قوانین طاغوت مبارزه کند. ما چاره‌ای نداریم جز اینکه دستگاه‌های حکومتی فاسد و فاسدکننده را از بین ببریم.
وحدت اسلامی از طریق تشکیل حکومت	وطن اسلام را استعمارگران و حکام مستبد و جاه‌طلب تجزیه کرده‌اند ما برای اینکه وحدت امت اسلام را تأمین کنیم راهی نداریم جز اینکه تشکیل حکومت بدهیم.
لزوم مبارزه با تضاد طبقاتی	استعمارگران به دست عمال سیاسی خود، نظامات اقتصادی ظالمانه‌ای را تحمیل کرده‌اند. در یک طرف صدها میلیون مسلمان گرسنه و محروم از

کد	واحد فشرده معنا
	بهداشت و فرهنگ قرار گرفته است و در طرف دیگر، اقلیت‌هایی از افراد ثروتمند و صاحب قدرت سیاسی که عیاش و هرزه‌گرد و فاسدند. علمای اسلام موظفند با انحصارطلبی و استفاده‌های نامشروع ستمگران مبارزه کنند.
لزوم وجود رهبری برای ملت‌ها و فرقه‌ها	روایت از امام رضا (ع): ما هیچ‌یک از فرقه‌ها یا هیچ‌یک از ملت‌ها و پیروان مذاهب مختلف را نمی‌بینیم که چیزی به وجود یک برپانگهدارنده نظم و قانون و یک رئیس و رهبر توانسته باشند به حیات خود ادامه و باقی بمانند.
کهنگی و فرسودگی دین بدون رهبر	اگر برای مردم امام برپانگهدارنده نظم و قانون، خدمتگزار امین و نگهبان پاسدار و امانتداری تعیین نکند دین به کهنگی و فرسودگی دچار خواهد شد و بدعت‌گذاران چیزها در دین خواهند افزود و ملحدان چیزها از آن خواهند کاست.
نقص مردم و لزوم وجود رهبری	مردم ناقصند و نیازمند کمالند و ناکاملند. هر گاه کسی را که برپانگهدارنده نظم و قانون باشد و پاسدار آنچه پیامبر آورده بر مردم نگماشته بود به چنان صورتی فاسد می‌شدند و که احکام اسلام دگرگون می‌شد.
لزوم همیشگی وجود رهبری	امروز و همیشه وجود «ولی امر» یعنی حاکمی که قیم و برپانگهدارنده نظم و قانون اسلام باشد ضرورت دارد. وجود حاکمی که مانع تجاوزات و ستمگری‌ها و تعدی به حقوق دیگران باشد.
عدم وجود رهبری در گذشته، منشأ گرفتاری‌های امروز	نفوذ و حاکمیت اسلام در جامعه کم شده است، ملت اسلام دچار تجزیه و ناتوانی شده است. احکام اسلام بی‌اجرا ماند و در تغییر و تبدیل واقع شد و ... این‌ها همه برای این بود که ما قیم و رئیس و تشکیلات رهبری نداشتیم.
حکومت اسلامی حکومت مشروط به قوانین اسلام	حکومت اسلامی هیچ‌یک از انواع طرز حکومت‌های موجود نیست. حکومت اسلامی نه استبدادی است و نه مطلقه، بلکه مشروطه است. البته نه مشروطه به معنی متعارف فعلی آن که به تصویب قوانین تابع آرا اشخاص و اکثریت باشد. مجموعه شرط همان احکام و قوانین اسلام است که باید رعایت و اجرا شود.
شارع مقدس یگانه قدرت مقننه	فرق اساسی حکومت اسلامی با حکومت‌های مشروطه در این است که قدرت مقننه و اختیار تشریح در اسلام به خداوند متعال اختصاص یافته است. هیچ‌کس حق قانون‌گذاری ندارد و هیچ قانونی جز حکم شارع را نمی‌توان به مورد اجرا گذاشت.
جایگزینی مجلس برنامہ- ریزی به جای مجلس قانون- گذاری در حکومت اسلامی	در حکومت اسلامی به جای مجلس قانون‌گذاری مجلس برنامہ‌ریزی وجود دارد که برای وزارتخانه‌های مختلف در پرتو احکام اسلام برنامه ترتیب می‌دهد و با این برنامه‌ها کیفیت انجام خدمات عمومی را در سراسر کشور تعیین می‌کند.
تبعیت از پیامبر و ولی الامر به حکم خدا و قانون الهی	حکومت در اسلام به مفهوم تبعیت از قانون الهی است. آن‌جا هم که اختیارات محدودی به پیامبر داده شده از طرف خداوند است. تبعیت از رسول اکرم (ص) هم به حکم خدا است. پیروی از متصدیان حکومت یا «اولی الامر» نیز به حکم الهی است: اطیعوا... اولی الامر منکم.
نهادهای اجتماعی و هیئت	در حکومت اسلامی برخلاف رژیم سلطنت اثری از کاخ‌های بزرگ، عمارات

کد	واحد فشرده معنا
حاکمه فاسد موجود و مغایرت با حکومت اسلامی	کذایی، خدم و حشم، دفتر مخصوص، دفتر ولیعهد و دیگر لوازم سلطنت که بسیاری از بودجه مملکت را از بین می برد نیست.
تشکیلات هزینه بر و زائد پهلوی	تشکیلات اداری زائد و طرز اداره توأم با پرونده سازی و کاغذبازی، خرج هایی بر بودجه مملکت تحمیل می کند که از خرج های حرام نوع اول کمتر نیست.
تشکیلات اداری ساده، سریع و کم خرج اسلام	این سیستم اداری از اسلام بیگانه است. آنوقت که آیین دادرسی اسلام معمول بود قاضی شرع در یک شهر با دو سه نفر مأمور اجرا و یک قلم و دوات فصل خصومات می کرد و مردم را به سراغ کار و زندگی می فرستاد.
علم به قانون و عدالت زمامدار	حاکم و خلیفه اولاً باید احکام اسلام را بدانند یعنی قانون دان باشند. و ثانیاً عدالت داشته از کمال اعتقادی و اخلاقی برخوردار باشد. عقل همین اقتضا را دارد زیرا حکومت اسلامی، حکومت قانون است نه خودسری و نه حکومت اشخاص بر مردم.
نظریه شیعه در مورد شرایط زمامدار	اگر زمامدار مطالب قانونی را نداند لایق حکومت نیست. زمامدار اگر عادل نباشد در دادن حقوق مسلمین، اخذ مالیات ها و صرف صحیح آن و اجرای قانون جزا عادلانه رفتار نخواهد کرد.
علم به قانون و عدالت فقها در دوران غیبت	اکنون که شخص معینی از طرف خدای تبارک و تعالی برای احراز حکومت در دوره غیبت تعیین نشده است تکلیف چیست؟ این خاصیت که عبارت از علم به قانون و عدالت باشد در عده بی شماری از فقهای عصر ما موجود است.
ضرورت اطاعت از ولی فقیه در صورت تشکیل حکومت	اگر فرد لایقی که دارای این دو خصلت باشد بپاخواست و تشکیل حکومت داد همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم (ﷺ) در امر اداره جامعه داشت دارا می باشد، و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند.

#### سایر کدهای مشخص شده

هم شأنی فقها و عدم توانایی جهت عزل یکدیگر	ولایت امتیاز نیست بلکه وظیفه ای خطیر است	فضائل متفاوت فقها با پیامبر اما اختیارات حکومتی یکسان
تصدی گیری قانون شناسان و دین شناسان	ولایت فقهای عادل به استناد اخبار	ولی فقیه وسیله ای برای تحقق هدف های عالی و نظام عادلانه
لزوم حکومت اسلامی برای ملت مسلمان	قانون به منظور پرورش انسان مهذب	حاکمیت قانون و آزادی در دایره مقررات شرعی
فقها به مثابه حجت بر مردم	منصب قضاوت متعلق به فقها است	انحراف علمایی که وظایف خود را صرفاً مسئله گویی می پندارند.
پرهیز از قضات هیئت حاکمه ناروا	اطاعت از احکام حکومتی واجب و متفاوت از اطاعت از احکام خدا	حاکم شدن فقیه، گرفتن زمام اموری که متفاوت از قضاوت است.
تمام شئون پیامبر قابل انتقال به فقها	مرجع امور در اختلافات علمای اسلامند	مراجعه به مقامات قضایی، اجرایی و به طور کلی حکومت اسلامی

روایت «تحف العقول» و لزوم امر به معروف و نهی از منکر در برابر حکام جائز	روایت «تحف العقول» و اثبات ولایت فقیه	مراد از روایت «العلماء ورثه الانبیاء» علمای امتند و عرف عام ولایت (نه وصف عنوانی انبیا) را به علما واگذار می‌نماید.
ضرورت مبارزه با ظلم و بدعت‌های حکام	وظیفه خطیر علمای دینی	ضرورت مخالفت علما با بدعت‌ها
ظلم‌ستیزی دلیل احترام علما	امر به معروف و نهی از منکر شرط ایجاد فرائض دیگر	رهبری علما در شکل‌گیری یک نهضت نهی از منکر
وظیفه ما، از تبلیغ تا تشکیل حکومت اسلامی	اولین گام تشکیل حکومت اجماع علما و تبلیغات	سابقه تاریخی ولایت فقیه و حکم حکومتی

پس از مشخص نمودن واحدهای معنای فشرده‌شده و کدها، کدها را بر اساس خصوصیات و ویژگی‌های مشترکشان در قالب مقوله‌های متفاوت طبقه‌بندی می‌نمائیم تا بر این اساس، به واسطه افزایش یافتن قدرت تفسیر بتوانیم مقولات را در ارتباط منطقی با یکدیگر فهم نمائیم.

بیش از هفتاد کد مشخص شده در کتاب ولایت فقیه را می‌توان به مقولات متفاوتی طبقه‌بندی نمود. اولین مقوله، «لزوم تشکیل حکومت» می‌باشد. به بیان دیگر، برخی از کدهای به دست آمده را با توجه ویژگی‌های مشترکشان که ناظر بر سه نکته زیر می‌باشند: ۱. دلایل عقلی تشکیل حکومت در اسلام، ۲. ارجاع به روایات و احادیث معصومین (علیهم‌السلام) که تکلیف جامعه اسلامی را در زمان نبود خویش روشن کرده‌اند و ۳. اشاره به نمونه‌هایی از قوانین اسلام که به مسائل اجتماعی مربوط می‌شوند، را می‌توان در مقوله «لزوم تشکیل حکومت» جای داد. این کدها عبارتند از:

لزوم تشکیل حکومت		
وجود قوانین اجتماعی و حکومتی در اسلام	قانون شرط لازم اما نه کافی	سعادت بشر مستلزم وجود قوه مجریه
سنت و رویه رسول اکرم در باب حکومت	ضرورت استمرار اجرای احکام اسلام	هرج و مرج و فساد بدون تشکیل حکومت
نیاز به تشکیل حکومت در دوران غیبت	دستگاه اجرایی متناسب با احکام الهی	ذکر برخی موارد جهت لزوم دستگاه اجرایی متناسب
لزوم حکومت اسلامی برای ملت مسلمان	وحدت اسلامی از طریق تشکیل حکومت	

علاوه بر مقوله «لزوم تشکیل حکومت»، «لزوم رهبری» مقوله‌ایست که می‌تواند برخی از کدهای دیگر را پوشش دهد. به عبارت دیگر، در تمام این کدها به لزوم وجود رهبری چه در دوره پیامبر و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و چه در زمان غیبت اشاره شده است.

لزوم رهبری		
پیامبر به‌عنوان مفسر، مبلغ و مجری دولت اسلامی	لزوم وجود رهبری برای ملت‌ها و فرقه‌ها	کهنگی و فرسودگی دین بدون رهبر
نقص مردم و لزوم وجود رهبری	لزوم همیشگی وجود رهبری	عدم وجود رهبری در گذشته، منشأ گرفتاری‌های امروز

هیچ تئوری سیاسی نمی‌تواند شکل بگیرد مگر با نفی یک چیز و ترسیم بدیلی برای آن. در این کتاب امام خمینی (ره) مدام درصددند تا با به چالش کشیدن تصویر نادرستی که از اسلام در آن روزها وجود داشت، تصویری جدیدی از اسلام را ارائه دهند. بنابراین، مقوله سوم می‌توان به آن اشاره نمود، «تصور نادرست و ارائه تصور واقعی از اسلام» می‌باشد. کدهای این مقوله عبارتند از:

تصور نادرست و ارائه تصور واقعی از اسلام		
ریشه‌های تاریخی تصور نادرست از اسلام و عدم توجه به ولایت فقیه	فرق میان اسلام با آنچه به‌عنوان اسلام عرضه می‌شود	کیفیت جامع قوانین اسلام
حکومت اسلامی حکومت مشروط به قوانین اسلام	شارع مقدس یگانه قدرت مقننه	حاکمیت قانون و آزادی در دایره مقررات شرعی
انحراف علمایی که وظایف خود را صرفاً مسئله‌گویی می‌پندارند.		

مقوله بعدی، که می‌توان کدهایی را بر اساس شباهت‌هایشان در ذیل آن قرار داد، «شرایط زمامدار» است. در این مقوله پس از بررسی شرایط زمامدار، بر این نکته تأکید می‌شود که فقها، شرایط زمامداری در دوران غیبت را دارا می‌باشند. کدهایی مانند:

شرایط زمامدار		
علم به قانون و عدالت زمامدار	نظریه شیعه در مورد شرایط زمامدار	علم به قانون و عدالت در دوران غیبت
فضائل متفاوت فقها با پیامبر اما اختیارات حکومتی یکسان	ولایت فقهای عادل به استناد اخبار	تصدی‌گری قانون‌شناسان و دین‌شناسان
بدیهی بودن ولایت فقیه	مراد از روایت «العلماء ورثه الانبیاء» علمای امتند و عرف عام	روایت «تحف العقول» و اثبات ولایت فقیه



شرایط زمامدار	
ولایت (نه وصف عنوانی انبیا) را به علما واگذار می‌نماید.	
هم شأنی فقها و عدم توانایی جهت عزل یکدیگر	تمام شئون پیامبر قابل انتقال به فقها

مقوله دیگری که می‌توان کدهایی را در ذیل آن طبقه‌بندی نمود، «ولی فقیه و حکم حکومتی، فقها و حکم قضاوتی» است. در مقوله «شرایط زمامدار» به این نکته رسیدیم که فقها شرایط زمامداری را دارا می‌باشند، حال در این مقوله، برای فهم بهتر وظایف ولی فقیه (زمامدار و فقیهی که امکان تشکیل حکومت را یافته)، به تفاوت وظایف ولی فقیه و فقها در قالب مفاهیم حکم حکومتی و حکم قضاوتی پرداخته می‌شود. به عبارت دیگر، مبنای شکل‌گیری این مقوله را می‌توان تفاوت میان وظایف ولی فقیه و فقهای دیگر در قالب مفاهیم حکم حکومتی و حکم قضاوتی در نظر گرفت. این تفاوت در وظایف، در ملاک صدور این احکام نهفته است. بدین معنا که ملاک صدور احکام حکومتی عبارت است از مصلحت نظام، دفع مفسده و نفی حَرَج (نمازی‌فرد، ۱۳۷۹: ۱۱۲) به گونه‌ای که این احکام، در چارچوب احکام فرعی شرعی نیست و حاکم اسلامی بر پایه مصلحت‌ها، قادر به صدور احکامی فراتر از قلمرو احکام فرعی می‌باشد زیرا احکام حکومتی از احکام اولیه بوده و بر سایر احکام اولیه و احکام فرعی، مقدم است (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲۰: ۱۷۰)؛ و ملاک صدور احکام قضاوتی، حل اختلافات میان مؤمنین می‌باشد. بنابراین، امام با تفاوت‌گذاری میان این دو حکم، حق حکومت کردن و وظایف حاکم را متفاوت از حق قضاوت فقها دانسته و آن را به ولی فقیه واگذار می‌نماید. لذا برای نشان‌دادن این تفاوت‌گذاری، مقوله «ولی فقیه و حکم حکومتی، فقها و حکم قضاوتی» را به دو زیرمقوله «ولی فقیه و حکم حکومتی» و «فقها و حکم قضاوتی» تقسیم نموده و کدهای مربوط به هر یک را مشخص می‌نمائیم.

ولی فقیه و حکم حکومتی، فقها و حکم قضاوتی	
ولی فقیه و حکم حکومتی	فقها و حکم قضاوتی
حاکم شدن فقیه، گرفتن زمام اموری که متفاوت از قضاوت است.	منصب قضاوت متعلق به فقها است
اطاعت از احکام حکومتی واجب و متفاوت از اطاعت از احکام خدا	فقها به مثابه حجت بر مردم

ولی فقیه و حکم حکومتی، فقها و حکم قضاوتی	
ولی فقیه و حکم حکومتی	فقها و حکم قضاوتی
ضرورت اطاعت از ولی فقیه در صورت تشکیل حکومت	پرهیز از قضات هیئت حاکمه ناروا
ولی فقیه وسیله‌ای برای تحقق هدف‌های عالی و نظام عادلانه	مرجع امور در اختلافات علمای اسلامند
سابقه تاریخی ولایت فقیه و حکم حکومتی	

کدهای دیگری در این کتاب وجود دارند که به توصیف وضع موجود و کاستی‌های آن می‌پردازند. امام بر مبنای این کدها درصددند با به تصویر کشیدن وضع موجود بر ضرورت و وظیفه مسلمانان جهت مبارزه با چنین وضعی تأکید نمایند. بنابراین، با مقوله «وضع موجود و کاستی‌های آن» زمینه برای مبارزه با نظام پهلوی و نهادهای فکری و اندیشه‌ای حامی آن بر مبنای ترسیم استراتژی‌های متناسب مبارزاتی فراهم می‌شود. کدهای این مقوله عبارتند از:

وضع موجود و کاستی‌های آن		
وضع موجود و عوامل داخلی (برخی از روحانیون) و خارجی آن	قانون اساسی ضد اسلامی مشروطه	ضد اسلامی بودن وضعیت موجود
نهادهای اجتماعی و هیئت حاکمه فاسد موجود و مغایرت با حکومت اسلامی	تشکیلات هزینه‌بر و زائد پهلوی	درک سیاست در رژیم پهلوی

پس از توصیف وضع موجود، در مقوله بعدی به «لزوم مبارزه با نظام سیاسی پهلوی و نهادهای اجتماعی و فکری آن» اشاره می‌شود. به بیان دیگر، کتاب ولایت فقیه مجموعه‌ای از نفی‌ها و اثبات‌ها است. پس از تشریح وضعیت موجود و نفی آن‌ها، امام خمینی (ره) در قالب کدهایی بر لزوم مبارزه با این نفی‌ها و کاستی‌ها تأکید می‌نمایند. این کدها عبارتند از:

لزوم مبارزه با نظام سیاسی پهلوی و نهادهای اجتماعی و فکری آن		
مبارزه با نظام سیاسی ضد اسلامی موجود	دو راه انسان مؤمن و انتخاب راه دوم	لزوم مبارزه با تضاد طبقاتی
ضرورت مبارزه با ظلم و بدعت‌های حکام	ضرورت اصلاح و تصفیه مقدس‌نماها	ضرورت مبارزه با آثار فکری و روحی استعمار

مقوله بعدی «استراتژی‌های مبارزاتی» است. اصولاً مبارزه با وضع موجود بدون استراتژی‌های مناسب امکان‌پذیر نمی‌باشد. در این راستا، امام در این کتاب، استراتژی‌هایی را ارائه می‌دهند تا با تکیه بر آن‌ها نظام سیاسی پهلوی را از پا انداخته و

نظم نوین اسلامی مدنظر خویش را تأسیس نمایند. این استراتژی‌ها را می‌توان در قالب کدهای زیر شناسایی نمود.

استراتژی‌های مبارزاتی		
روایت «تحف العقول» و لزوم امر به معروف و نهی از منکر در برابر حکام جائز	ضرورت مخالفت علما با بدعت‌ها	رهبری علما در شکل‌گیری یک نهضت نهی از منکر
وظیفه خطیر علمای دینی	امر به معروف و نهی از منکر شرط ایجاد فرائض دیگر	ظلم‌ستیزی دلیل احترام علما
اولین گام تشکیل حکومت اجماع علما و تبلیغات	وظیفه ما، از تبلیغ تا تشکیل حکومت اسلامی	ابهام‌زدایی از اذهان پیش شرط مبارزه
ضرورت معرفی حکومت اسلامی به مردم و دانشجویان	اجتماعات اسلامی در خدمت تبلیغات و تعلیمات	اصلاح حوزه‌های روحانیت و روحانیت، در خدمت اصلاحات اجتماعی

در کتاب ولایت فقیه، همان‌گونه که اشاره شد، در باب لزوم تشکیل حکومت و ارائه تصویری از اسلام که با تشکیل حکومت اسلامی سازگار باشد کدهای فراوانی وجود دارد؛ اما درباره چگونگی نهادهای اجتماعی و سیاسی موجود در این حکومت، کدهای اندکی وجود دارد. به بیان دیگر، امام خمینی (ره) در کتاب ولایت فقیه تلاش می‌نماید از یک‌سو با نفی رژیم ضد اسلامی پهلوی و از سوی دیگر، با ارائه قانون اسلام بر مبنای مقولات «لزوم رهبری»، «لزوم تشکیل حکومت»، «تصور نادرست و ارائه تصور واقعی از اسلام»، «شرایط زمامدار» و «ولی فقیه و حکم حکومتی، فقها و حکم قضاوتی»، الگویی از نظام سیاسی اسلامی را ترسیم نمایند که در آن ولایت فقیه، وظایف و ضرورت آن، توجیه گردد. با این وجود، کدهای اندکی وجود دارد که می‌توان از آن‌ها نهادهای اجتماعی و سیاسی مطلوب این الگو را استنباط نمود. این کدها را در قالب مقوله «نهادهای اجتماعی و سیاسی بدیل» طبقه‌بندی می‌نمائیم.

نهادهای اجتماعی و سیاسی بدیل	
جایگزینی مجلس برنامه‌ریزی به جای مجلس قانون‌گذاری در حکومت اسلامی	تشکیلات اداری ساده، سریع و کم خرج اسلام

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مقولات به‌دست آمده را می‌توان در قالب دو تم کلی طبقه‌بندی و ارتباط منطقی آن‌ها را تفسیر نمود. این دو تم عبارتند از: ۱. تم حکومت مطلوب در اسلام و ۲. تم لزوم انقلاب. به عبارت دیگر، روح حاکم بر کتاب ولایت فقیه را از یک‌سو تم «حکومت مطلوب در اسلام» و از سوی دیگر، تم «لزوم انقلاب» تشکیل می‌دهند. در تم نخست، امام (علیه‌السلام) در قالب مقولاتی مانند «لزوم رهبری»، «لزوم تشکیل حکومت»، «تصور نادرست و ارائه تصور واقعی از اسلام»، «شرایط زمامدار»، «ولی فقیه و حکم حکومتی»، «فقه و حکم قضاوتی» و «نهادهای اجتماعی و سیاسی بدیل»، تلاش می‌نمایند تصویری از اسلام به مثابه یک قانون نظام‌مند ارائه دهند که در آن مقولات ذکر شده در کنار یکدیگر منظومه‌ای را پدید می‌آورند که نتیجه منطقی آن، «حکومت اسلامی ولایت فقیه» است. به عبارت دیگر، بخش اعظم مبانی الگوی نظام سیاسی‌ای که امام در این کتاب ارائه می‌دهند، از تم «حکومت مطلوب در اسلام» ناشی می‌گردد. در این تم، حکومت در اسلام، حکومت قانون و شریعت الهی است که در کتاب ولایت فقیه تبلور این قانون را در مقولات شش‌گانه ذکر شده در بالا، مشاهده می‌نمائیم.

برای حصول به الگوی نظام سیاسی در کتاب ولایت فقیه، تم «حکومت مطلوب در اسلام» را در ارتباط با شش مقوله و دو زیرتم بررسی می‌نمائیم. در زیرتم نخست، تحت عنوان رویکرد اندیشه‌ای امام، پنج مقوله را می‌توان در ارتباط با یکدیگر تحلیل نمود. بدین معنا که با مقولات «لزوم تشکیل حکومت» و «لزوم رهبری»، ابتدا امام از دو ضرورت (تشکیل حکومت و رهبری) سخن به میان می‌آورند و در ادامه این دو ضرورت را با مقولات «تصور نادرست و ارائه تصور واقعی از اسلام»، «شرایط زمامدار» و تمایزگذاری میان «حکم حکومتی و حکم قضاوتی» و بیان وظایف و ضرورت وجودی ولایت فقیه، به منظومه اندیشه‌ای و گفتمانی‌ای تبدیل می‌نمایند که پشتوانه اندیشه‌ای، معنایی و گفتمانی «حکومت اسلامی ولایت فقیه» را فراهم می‌آورد.

همان‌گونه که اشاره شد امام خمینی در کتاب ولایت فقیه، چگونگی نهادهای اجتماعی و سیاسی حکومت اسلامی را ترسیم نمی‌نمایند، بنابراین، زیرتم رویکرد

اندیشه‌ای است که بر مباحث این کتاب غالب می‌باشد. با این وجود، کدها و اشارات کوتاهی وجود دارند که این بار نه از حیث اندیشه‌ای و گفتمانی، بلکه از حیث بهره‌مندی از نهادهای اجتماعی و سیاسی مطلوب در حکومت اسلامی، تم «حکومت مطلوب در اسلام» را توجیه‌پذیر و پذیرفتنی می‌نمایند. به عبارت دیگر، در این زیرتم، دیگر معیار مطلوبیت تم «حکومت مطلوب در اسلام»، اندیشه و گفتمان حاکم بر آن نیست (زیرتم اندیشه)، بلکه کارکرد نهادهای اجتماعی و سیاسی آن می‌باشد که همان‌گونه که گفته شد در کتاب ولایت فقیه کدهای اندکی در این رابطه وجود دارند که این کدها را در قالب مقوله و یا زیرتم «نهادهای اجتماعی و سیاسی بدیل» می‌توان طبقه‌بندی نمود.

تم دیگر کتاب ولایت فقیه، «لزوم انقلاب» می‌باشد. وجود این تم در کتاب مؤید این نکته است که بخشی از تعریف و ارائه الگوی نظام سیاسی «حکومت اسلامی ولایت فقیه» با حدود عدمی شناخته می‌شود و این کتاب مجموعه‌ای از نفی‌های رژیم پهلوی است، چه نفی در شکل حکومت و نهادهای اجتماعی و سیاسی آن، و چه نفی نظام فکری و اندیشه‌ای حامی آن. بنابراین، در قالب این تم امام سعی می‌نمایند با به تصویر کشیدن وضع موجود، اولاً الگوی نظام سیاسی ولایت فقیه را در تضاد با آن تعریف نمایند و ثانیاً با ارائه استراتژی‌های مناسب، بر لزوم مبارزه با رژیم پهلوی و نهادهای فکری و اجتماعی آن تأکید نمایند. بنابراین، این تم نشان می‌دهد که امام خمینی (ره) در کتاب ولایت فقیه، ضمن آنکه لزوم انقلاب را برای استقرار نظم نوین اسلامی ضروری می‌دانند، الگوی مدنظر خویش را نیز در تضاد و تقابل با آن معرفی می‌نمایند. برای نمونه، درک کاستی‌های وضع موجود، نظیر فساد هیئت حاکمه و تشکیلات هزینه‌بر آن است که الگوی «حکومت اسلامی ولایت فقیه» را توجیه‌پذیر و قابل فهم می‌نماید.

Pattern (الگو)	الگوی نظام سیاسی حکومت اسلامی ولایت فقیه								
Theme (موضوع)	حکومت مطلوب در اسلام					لزوم انقلاب			
Sub-theme (زیر تم)	رویکرد اندیشه‌ای امام خمینی (ره)					نهادهای اجتماعی و سیاسی بدیل			
Category (مقوله یا مقوله‌بندی)	لزوم تشکیل حکومت	لزوم رهبری	تصور نادرست و ارائه تصور واقعی از اسلام	شرایط زمامدار	ولسی فقیه و حکم حکومتی، فقهنا و حکم قضائتی	نهادهای اجتماعی و سیاسی بدیل	وضع موجود و کاستی‌های آن	لزوم مبارزه با نظام سیاسی پهلوی و نهادهای اجتماعی و فکری آن	استراتژی‌های مبارزاتی
Sub-category (زیر مقوله)					ولسی فقیه و حکم حکومتی	فقهنا و حکم قضائتی			
Codes (کدها)									

## یادداشت‌ها

1. B. Berelson
2. objective
3. systematic
4. process
5. rules
6. O. R. Holsti
7. P. Stone
8. M. Q. Patton
9. H. -F. Hsieh & S. E. Shannon
10. Y. Zhang & B. M. Wildemuth
11. case oriented
12. word versus numbers
13. perspectival versus objective views
14. discovery versus proof
15. Conventional content analysis
16. Directed content analysis
17. Summative content analysis
18. validation
19. U. H. Graneheim & B. Lundman
20. L. A. Baxter
21. C. R. Kovach
22. K. Krippendorff
23. P. R. Lichstein & G. Young
24. B. Downe-Wamboldt
25. Abstraction
26. Distillation

## منابع

۱. ابوالمعالی الحسینی، خدیجه (۱۳۹۲)، «تحلیل کیفی متن: استقرا/قیاس»، فصلنامه مطالعات معارف اسلامی و علوم تربیتی، سال اول، شماره ۱، پاییز و زمستان ۹۲.
۲. ابوالمعالی الحسینی، خدیجه (۱۳۹۱)، پژوهش کیفی از نظریه تا عمل، تهران: نشر علم.
۳. ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰)، «تحلیل محتوای کیفی»، فصلنامه پژوهش، سال سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۹۰.
۴. باردن، لورنس (۱۳۷۴)، تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی‌دوزی سرخابی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۵. پیردافی، فاطمه (۱۳۸۸)، «تحلیل محتوای کمی و کیفی»، ماهنامه پیام پژوهش، سال نهم، شماره ۱۰۱، اسفند ۸۸.
۶. خمینی، روح الله (۱۳۵۷)، ولایت فقیه «حکومت اسلامی»، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۷. خمینی، روح الله (۱۳۶۱)، صحیفه نور، جلد ۲۰، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. شریعتی فیض‌آبادی، مهدی و محمود گودرزی (۱۳۹۴)، «جایگاه دیپلماسی ورزش در روابط بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران؛ رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل محتوا»، دوفصلنامه دانش سیاسی، سال یازدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۹۴.
۹. صادقی‌فسایی، سهیلا و ناصری‌راد، محسن (۱۳۹۰)، «عناصر بنیادین پژوهش کیفی در علوم اجتماعی: هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و روش»، فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۹۰.
۱۰. صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۷۵)، «کاربرد تحلیل محتوا در علوم اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی. تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی، شماره ۸.
۱۱. فلیک، اووه (۱۳۸۸)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
۱۲. فیرحی، داود (۱۳۷۸a)، «مشکلات روش‌شناختی ورود به اندیشه سیاسی امام خمینی (علیه السلام)»، مجله حضور، شماره ۲۸، تابستان ۷۸.
۱۳. فیرحی، داود (۱۳۷۸b)، «امام خمینی (علیه السلام): گفتمان تجدد اسلامی»، مجله علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۵، تابستان ۷۸.

۱۴. کریپندورف، کلوس (۱۳۷۸)، تحلیل محتوا مبانی روش‌شناسی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر روش.
۱۵. لیندلف، تامس و تیلور، برایان سی (۱۳۸۸)، روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات، ترجمه عبدالله گیویان، تهران: نشر همشهری.
۱۶. محمدی‌مهر، غلامرضا (۱۳۸۷)، «نگاهی به کاربردهای روش تحلیل محتوا»، ماهنامه پیام پژوهش، سال هشتم، شماره ۸۹ و ۹۰، بهمن و اسفند ۸۷.
۱۷. نمازی‌فرد، حسین (۱۳۷۹)، «احکام حکومتی از دیدگاه امام خمینی (علیه‌السلام)»، پژوهش‌نامه علوم انسانی، سال اول، شماره ۱، بهار ۷۹.
۱۸. یوسفی‌ارجمند، آرش (۱۳۸۵)، «تحلیل محتوای کیفی مجلات علمی و دیدگاه‌های صاحب‌نظران با توجه به مبانی نظری پویایی‌های علم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
19. Graneheim, U. H. & Lundman. B. (2004), *Qualitative content analysis in nursing research: concepts, procedures and measures to achieve trustworthiness*, Nurse Education Today, No 24 (pp. 105-112).
20. Holsti, O. R. (1968), *Content analysis*, in G. Lindzey & E. Aaronson (Eds), *The Handbook of Social Psychology*. Reading, MA: Addison-Wesley.
21. Hsieh, Hsiu- Fang & Shanon, Sara E. (2005), "Three Approaches to Content Analysis", *Qualitative Health Research*, vol. 15, No.9, CA: Sage Publications.
22. Maykut, Pamela & Richard Morehouse (1994), *Beginning Qualitative Research, A Philosophic and Practical Guide*, The -Falmer press.
23. Neuendorf, K.A. (2002), *The Content Analysis Guidebook*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
24. Patton, M. Q. (2002), *Qualitative Research & Evaluation Methods*, Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
25. Stone, P. (1966), *The General Inquirer: A computer Approach to Content Analysis*, Cambridge: M.I.T Press.
26. Zhang, Y. & Wildemuth, B. M. (2009), *Qualitative analysis of content*. In B. Wildemuth (Ed.), *Applications of Social Research Methods to Questions in Information and Library Science* (pp.308-319). Westport, CT: Libraries Unlimited.